نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی سال سیزدهم، شماره ۳۱، زمستان ۹۲

بررسی الگوی فضایی - مکانی عاملیت های موثر بر نهادینه شدن مشارکت مردم در نواحی روستایی بخش جعفر آباد، شهرستان قم

دریافت مقاله:۹۱/۴/۲۴ پذیرش نهایی:۹۲/۴/۱۲

صفحات:۲۷-۷

علی اکبر عنابستانی: دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه فردوسی مشهد[1]
Email: anabestani@um.ac.ir
رضا خسرو بیگی: استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه حکیم سبزواری
Email: khosrobeigi_reza@yahoo.com
علی اکبر تقیلو: استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه ارومیه
Email: a.taghilo@gmail.com
ابوالفضل زارعی: کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه فردوسی مشهد
Email: zare_a62@yahoo.com

چکیده

مشارکت به عنوان کنش و فعالیت اجتماعی هدفمند تحت تأثیر و برآیند عناصر فضایی است که به صورت منابع و سرمایه‌هایی(روابط اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و مدیریتی) در جوامع ظاهر می شوند. مقاله حاضر در صدد است با رویکردی سیستمی و در قالب روش توصیفی-تحلیلی و همبستگی، الگوی فضایی- مکانی عاملیت های موثر بر نهادینه شدن مشارکت را در۲۰ سکونتگاه روستایی بخش جعفر آباد شهرستان قم مشخص سازد. جمع آوری داده‌ها از طریق پرسشنامه در حجم نمونه ۳۵۵ نفر و تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از آزمون‌های مناسب در نرم افزار SPSS انجام شده است. نتایج بدست آمده نشان می دهدکه عناصرفضایی-مکانی تاثیرگذار برمشارکت که به صورت سرمایه های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و مدیریتی ظهور می یابند به صورت خلاء ای جدی در سطح روستاها نمایان شده اند و اگر هم اثری از آنها وجود دارد مبتنی بر پتانسیل های درونی خود سکونتگاه ها می باشد که بدون دخالت رهنمودهای مدیریتی دولت ایجاد شده اند و تصویری ناقص و پراکنده از مشارکت را به نمایش می گذارند. در این ارتباط، بر اساس آزمون تی، سطح مشارکت در اغلب شاخص‌های مورد مطالعه بویژه گویه هایی که بازگوکننده مشارکت رسمی با نهادهای سازمان یافته می باشد، پایین‌تر از حد مورد انتظار است. در رتبه بندی عاملیت‌های فضایی-مکانی مؤثر در میزان مشارکت شاخص‌هایی مانند مانند ارتباطات اجتماعی در بین مردم، میزان اختلافات قومی و قبیله ای در روستا، جویای احوال بودن در بین مردم، احترام به یکدیگر در بین مردم، مشاجره

---

۱. **نویسنده مسئول:** مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه جغرافیا

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

بر سر مسائل کشاورزی در بین مردم، احترام به نصیحت دیگران، اعتماد به یکدیگر در بین مردم و... از نظر اندازه بیشترین سهم را در تبیین میزان مشارکت داشته اند که بیانگر غیر رسمی و عرفی بودن عناصر فضایی تاثیرگذار بر مشارکت روستایی است. نتایج رگرسیون چند متغیره نشان داد که بعد سرمایه اجتماعی با ضریب تعیین ۰/۷۴۳، بیشترین تأثیر را بر میزان مشارکت در نواحی روستایی داشته است.

کلید واژگان:سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی، سرمایه اقتصادی، سرمایه مدیریتی ، بخش جعفرآباد.

مقدمه

بطورکلی، مفهوم فضا متضمن شناخت دنیای اجتماعی در قالب روابط است(عطار، ۱۵۹:۱۳۸۷) که که اعمال و فعالیت‌های انسانی در آن شکل می‌گیرد و برقرار می‌شود. فضا بستری محاط شده بهوسیله عناصری است که در آن روابط و فعالیت‌های اجتماعی متبلور شده و شکل می‌یابند(حبیبی،۳۰:۱۳۷۹). در واقع، فضای اجتماعی یک فضای چند بعدی است و حاوی عناصر فرهنگی، اقتصادی و مدیریتی است که از نگاه بوردیو به صورت سرمایه در جامعه بروز می کند. از دید بوردیو، سرمایه هرمنبعی است که در عرصه خاصی اثر گذارد و به فرد امکان دهد که سودی ویژه از راه مشارکت در رقابت بر سر آن به دست آورد(عطار، ۱۶۱:۱۳۸۷). از طرفی دیگر، مشارکت را به عنوان نوعی کنش ارتباطی در نظر می‌گیرند که مبتنی بر فهم متقابل است(گل شیری اصفهانی و همکاران،۱۵۰:۱۳۸۸) و بنابر ماهیت ذاتی خود در درون تعاملات اجتماعی معنا و مفهوم می‌یابد و در قالب مقوله‌ای فضامند فرصت ظهور می‌یابد. در این میان، تنظیمات فضایی می‌تواند مانع یا زمینه‌ساز پاره‌ای از پدیده‌های اجتماعی باشد(شکویی و موحد، ۹۹:۱۳۸۱). این ویژگی در برخی از جوامع صدق می کند و تنظیمات فضایی به گونه ای است که مانع از شکل گیری سرمایه های لازم جهت تولید محصول مشارکت می شود و فارغ از هرگونه عوامل زمینه ساز جهت ایجاد تعاملات اجتماعی می باشد. درواقع، ساختار متمرکز تصمیم گیری در جوامع معمولا سنتی و به اصطلاح جهان سومی به عنوان سدی جهت تفویض فعالیت های تصمیم گیری به ساکنین محلی عمل می کند و خلاء کارکردها و عناصر فضایی اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و مدیریتی که مشارکت مردمی حول آن شکل می گیرد را به همراه می آورد. در این خصوص، شرایط جامعه ایران مانع از ایجاد مولفه های سرمایه‌ای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و مدیریتی جهت باروری مشارکت روستایی است (قانعی راد و حسینی، ۱۳۸۴: ۹۹). این وضعیت الگوی عاملیت های فضایی- مکانی

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

تاثیرگذار بر مشارکت را به گونه ای ترسیم می‌کند که سرمایه‌ای به معنای واقعی در مناطق روستایی برای زمینه سازی مشارکت محلی در عرصه های گوناگون ایجاد نشده و ظرفیت های موجود در قالب روابط سنتی ساکنین و مبتنی بر پتانسیل های درونی خود روستا خارج از هرگونه رهنمودهای مدیریتی است. یعنی اهمیت کارکرد مشارکت از طرف مردم درک شده و تلاش های لازم جهت ایجاد همکاری و تعاملات محلی به صورت پراکنده و غیر رسمی صورت می گیرد. ولی رهنمودهای هدایتی و مالی حاکمیت این تقاضا را دنبال نمی کند و توجهی به آن ندارد. هدف از تدوین مقاله حاضر شناسایی و ترسیم الگوی فضایی تاثیرگذار عناصر درون فضایی اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و مدیریتی بر مشارکت مردم در مناطق روستایی بخش جعفرآباد شهرستان قم می باشد و مکانیسم ارتباط عوامل فضایی- مکانی در مناطق روستایی با میزان مشارکت مردم را در منطقه مورد مطالعه دنبال می کند. بر مبنای مسائل فوق سوال اصلی تحقیق بصورت ذیل مطرح می شوند: عوامل فضایی- مکانی موثر بر میزان مشارکت در روستاهای مورد مطالعه منطقه جعفرآباد قم کدامند و الگوی فضایی ارتباط عوامل فضایی- مکانی در مناطق روستایی با میزان مشارکت مردم در این منطقه چگونه ارزیابی می شود؟

در تناظر با سوال کلی تحقیق، فرضیات زیر قابل ارائه هستند:

- بین عوامل فضایی- مکانی (اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و مدیریتی) و مشارکت مردم در فرایند توسعه روستایی در منطقه مورد مطالعه رابطه وجود دارد.
- الگوی فضایی ارتباط عوامل فضایی- مکانی در مناطق روستایی با میزان مشارکت مردم بیشتر متاثر از پتانسیل های درونی جامعه روستایی و فارغ از دخالت عناصر مدیریتی می باشد.

پیشینه‌ی تحقیق

در زمینه مشارکت در نواحی روستاهای کشور تحقیقات بسیاری به عمل آمده است که بیشتر در ارتباط با فرایند توسعه روستایی و بررسی نقش مشارکت در توسعه روستایی می باشد. تحقیقات معدودی در زمینه عوامل مداخله گر موثر جهت طراحی الگوی فضایی- مکانی و تبیین مکانیسم ارتباطی آن بر مشارکت در مناطق روستایی صورت گرفته است.

یافته‌های پژوهش عنابستانی و احمدزاده(۱۳۹۱) در بررسی ارتباط بین ویژگی‌های مکانی- فضایی و عوامل موثر بر مشارکت زنان نشان می‌دهد که ارتباط معنی‌داری بین جمعیت، فاصله روستا از مرکز دهستان و عوامل موثر بر مشارکت زنان روستایی به ترتیب با ضریب ۰/۶۴۶ و۰/۶۹۷ وجود دارد. محمدی سلیمانی(۱۳۸۰) در بررسی عوامل جغرافیایی موثر بر میزان مشارکت جوانان و نوجوانان روستایی معتقد است که اشتیاق جوانان ونوجوانان روستایی برای

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

سهیم شدن در فعالیت‌های مشارکت جویانه و ایفای نقش در مشارکت‌های اجتماعی از یک سو و کمبود امکانات و تسهیلات و نیز سهم اندکی که در فعالیت های مشارکت جویانانه دارند از سوی دیگر است. عنابستانی و همکاران(۱۳۹۰) در مطالعه ویژگی‌های مکانی– فضایی مشارکت در توانمندسازی اقتصاد روستایی نشان می‌دهند که بر اساس آزمون همبستگی رتبه ای اسپیرمن تمامی ویژگی های مکانی- فضایی مشارکت با توانایی اعمال قدرت و کنترل بر منابع و امکانات اقتصادی بترتیب با ضرایب ۰/۲۸۷، ۰/۲۳۰، ۰/۲۴۷، ۰/۵۹۶ ارتباط مستقیمی داشتند، و ویژگی مکانی –فضایی مهارت درتصمیم‌گیری با ضریب تبیین ۰/۳۲۴، بیشترین تاثیر را بر میزان توانمندسازی اقتصادی کشاورزان در بهره برداری از عوامل تولید در نواحی روستایی داشته است.

از منابع خارجی نیز می توان به تعدادی از آنها اشاره نمود که با تحقیق حاضر دارای شباهت هستند، از جمله ردی (۱۹۷۳)، بورینی (۱۹۹۹) و آکابایاشی(۲۰۰۳) نشان داده‌اند که عواملی نظیر وضعیت تأهل، تعداد اولاد، سن فرزندان، سطح درآمد، آموزش، طبقه اجتماعی، مالکیت اموال و خانه، جنسیت، قومیت، سلامتی فیزیکی و جسمی بر مشارکت داوطلبانه افراد در فعالیت‌های مختلف اثرگذار می‌باشد. دانیال لرنر در مطالعات خود در شش کشور خاورمیانه (مصر، لبنان، سوریه، اردن، ترکیه و ایران) به ارتباط مشارکت با متغیرهای اجتماعی، به این نتیجه رسیده است که جامعه مشارکتی، پس از طی مراحل متواتر و منظم شهرنشینی، گسترش سواد، دسترسی به رسانه‌های جمعی و با مشارکت سیاسی- اجتماعی، نمود عینی پیدا می‌کند (قاسمی، ۱۳۸۴: ۸۲).

نتایج فوق بیانگر این مطلب است که انگیزه و عزم جدی از طرف مردم و منابع درونی جهت خلق مشارکت در جوامع روستایی وجود دارد ولی امکانات کارکردی و عناصر زمینه ساز در این عرصه متجلی نشده است و به صورت خلاء احساس می شوند. بر مبنای تئوری های موجود این دیدگاه را آشکار می‌سازد که در کشورهایی با ساختار متمرکز اداری، مشارکت مردمی در عرصه توسعه نادیده گرفته می‌شود و اگر همکاری هایی در زمینه های مختلف صورت گیرد صرفاً در قالب کنش های عرفی و سنتی و روابط سازمان نیافته داخل جوامع روستایی است.

روش‌شناسی تحقیق

محدوده یا قلمرو پژوهش

بخش جعفرآباد شهرستان قم بین طول ″۳۴ ′۴۶ °۳۴ عرض شمالی و ″۲۴ ′۳۱ °۵۰ طول شرقی واقع شده است. این بخش که در شمال غربی شهرستان قم می‌باشد از شمال به استان مرکزی، از شرق به بخش مرکزی شهرستان قم، ازغرب به بخش خلجستان و از جنوب به بخش

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

سلفچگان محدود می‌شود. مجموع آبادی‌های این بخش ۳۶ آبادی است و جمعیت روستایی آن از ۷۷۹۳ نفر در سال ۱۳۶۵ به ۸۶۹۹ نفر در سال ۱۳۸۵ با نرخ رشد سالیانه ۰/۵۵ درصد افزایش یافته است (مرکز آمار ایران، ۸۵-۱۳۶۵). جمعیت روستایی منطقه مورد مطالعه در سال ۱۳۹۰ به ۹۷۱۶ نفر افزایش یافته است که رشد سالانه‌ای برابر ۲/۲ درصد را دارا می باشد. در حال حاضر، شهر جعفریه به عنوان مرکز بخش، با جمعیت ۷۲۰۳نفر و در فاصله‌ی۴۰ کیلومتری غرب قم واقع شده است(مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰).

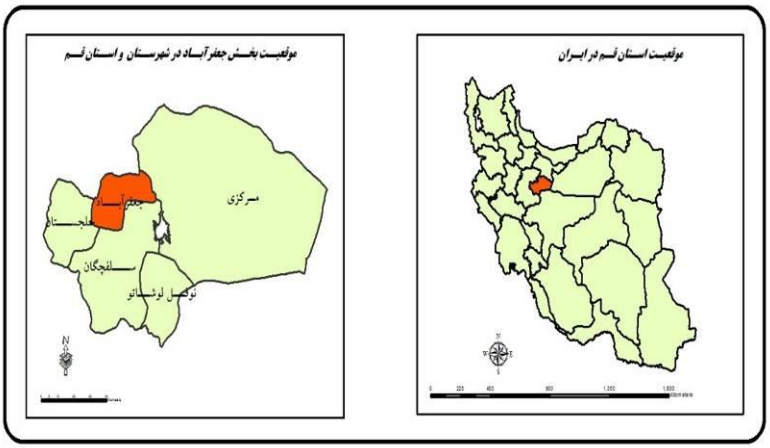

شکل (۱) موقعیت منطقه مورد مطالعه مأخذ: معاونت برنامه ریزی استانداری قم، ۱۳۹۱

روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش توصیفی- تحلیلی است. فرآیند تحقیق بدین صورت است که بعد از جمع آوری اطلاعات مربوط به متغیرهای مشارکت روستایی و عاملیت‌های مکانی – فضایی مؤثر بر آن(سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی، سرمایه اقتصادی و سرمایه مدیریتی) از روستاهای بخش جعفرآباد شهرستان قم، داده‌های کسب شده با استفاده از نرم افزار SPSS کدگذاری و میزان تأثیر گذاری هر یک از متغیرها را بر میزان مشارکت مورد بررسی قرار داده است. بخش جعفرآباد شهرستان قم بر اساس سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰، ۱۶۹۱۹ نفر جمعیت داشته است که۹۷۱۶ نفر یا ۲۵۹۴ خانوار(۵۷/۴ درصد) آن در۳۶ روستا سکونت دارند. در تحقیق حاضر، جامعه آماری را روستاهای بالای ۲۰ خانوار، شامل ۲۰ روستا و ۲۴۴۹نفر در بر می‌گیرد. حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران، برابر ۳۵۵ نفر (سرپرست خانوار)

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

با سطح احتمال ۹۵ درصد و خطای ۵ درصد، در قالب طبقات جمعیتی روستاها تعیین و به صورت تصادفی ساده مورد مصاحبه قرار گرفتند.

مبانی نظری

در این بخش به این سوال پاسخ داده می شود؛ چگونه ممکن است که مشارکت به عنوان یک پدیده اجتماعی در علم جغرافیا مورد بحث قرار گیرد؟ بطورکلی، فضا و مکان دو قطب مهم در تفکر جغرافیایی است، فضا به تئوریهای واقعی عینی مثل تئوری اقتصاد سیاسی مارکسیستی و مکان به تئوریهای ذهنی مثل پدیدارشناسی و پست مدرنیسم نسبت داده می شود(Cloke & Johnston, 2005 : 81). جغرافیا، علم تبیین عرصه های فضا، زمان و مکان است. از دیدگاه جغرافیا فضا و مکان با تحولات عاملیت‌ها یعنی نیروها، فرایندها و ساختارها در بستر زمان تغییر شکل می یابند.

فضا: فضای جغرافیایی، فضای اجتماعی است، صورتها و ساختارهای آن آفریده‌ی کنش انسانی است. فضا تولید اجتماعی است و بانی تولید آن، تولید کنندگان، مصرف کنندگان وکنشگران است.(شبلینگ، ۱۳۸۵: ۱۰۸ و ۱۱۰). بنابراین سازماندهی فضا همان برقراری ارتباط قانونمند و منطقی بین نیروهای تولید کننده، مصرف کننده و کنشگران(دولت، افراد و نهادهای مردمی) است.

مکان: کانون علم جغرافیاست، تفاوتها و گوناگونی‌های آن نتیجه عوامل موثر داخلی و خارجی است(شکویی، ۱۳۷۸: ۲۸۰). تفاوت مکانها تنها به ویژگیهای فیزیکی و مختصات طبیعی آنها نیست، بلکه ویژگیهای انسانی، فرهنگی و تاریخی است(پور احمد، ۱۳۸۵: ۸۰) ماهیت مکان با ویژگیهای انسان، ساختارها و طبیعت مسلط بر آن تعریف می شود. بنابراین، در شکل‌گیری نابرابریهای مکانی عملکرد انسان و ساختارها نقش اصلی را بازی می کنند و این نقش ها عمدتا در قالب برنامه ریزی در مکان جغرافیایی ظاهر می شوند.

در این میان، افراد با توجه به تجارب و تعاملاتی که با گستره واقعیت دارند، بینش ها و معیارهایی را در ذهن درونی می سازند که در موقع مقتضی به شکل پدیده های اجتماعی و فرهنگی بروز داده می شوند (جعفرزاده پور، ۱۳۸۸: ۱۰۵). در مکتب رفتار گرایی، محیط اجتماعی روی افراد تاثیرگذار است. در جغرافیا، مکان و فضا بر رفتار انسان تاثیر می‌گذارد و کنش‌های آن را از خود موثر می‌سازد. منظور از ابعاد فضا و مکان تنها نحوه استقرار به لحاظ موقعیت (کوهستانی، کوهپایه ای و دشتی)، ظرفیت و توانمندی (دسترسی به منابع آب و خاک) زمان دسترسی مهاجران به زادگاه خود(فاصله، نوع راه ارتباطی، دسترسی به وسیله

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

نقلیه)، جاذبه های گوناگون(محیط طبیعی مناسب، بناهای تاریخی و مذهبی) روستاها نیست بلکه فضا و مکان در جغرافیا زاده می‌شوند(فیروزنیا و ضیا توانا، ۱۳۸۹: ۴). بوردیو اعتقاد دارد که سرمایه‌ی فرهنگی و سرمایه‌ی اجتماعی، سرمایه مدیریتی و سرمایه اقتصادی عناصر و عاملیت‌های شکل دهنده فضا است. توزیع این عناصر و ارتباطشان با یکدیگر به فضا فرم می‌دهد (منافزاده، ۳۳:۱۳۸۸). در این تحقیق، مشارکت برآیند منابع و سرمایه‌هایی(روابط اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی) است که تحت عنوان عوامل مکانی- فضایی مطرح می‌شوند. . سرمایه معنای خاصی را تداعی می‌کند و آن معنای موجودیتی خود افزون است که بقیه می‌توانند از طریق آن هویت پیدا کنند، و می‌تواند روابط موجود را به خوبی نشان دهد(امیراحمدی،۲۷:۱۳۸۷). با ارائه این معنا از سرمایه؛ به بررسی انواع آن می‌پردازیم:

سرمایه اجتماعی: را ماده خام جامعه مدنی (شریفیان ثانی،۶:۱۳۸۰) زاده ی کنش و واکنش‌های افراد(پیران و همکاران،۱۰:۱۳۸۵) که به عنوان ابتکار و نتیجه‌ی انباشت فرآیندهای تعمقی داخل فعالیت‌های اجتماعی است(Woodhouse,2006:84) تعریف می‌کنند. سرمایه اجتماعی زمانی مفید است که بتواند یک اعتماد دو جانبه از ارزش‌ها را خلق و در مشارکت‌ها مؤثر واقع شود (Montgomery,2000:228). این شکل از سرمایه حاصل روابط و تعاملات اجتماعی مبتنی بر اعتماد و مشارکت اعضای گروه های اجتماعی است (ازکیا و جاجرمی،۴۰:۱۳۸۴). در واقع مشارکت پیش شرط سرمایه اجتماعی و سرمایه اجتماعی پیش شرط دوام و ثبات مشارکت در طول زمان می‌باشد.

سرمایه فرهنگی: فرهنگ پویا و خلّاق، شاه کلید جامعه مدنی است. هر قدر جوامع از بستر فرهنگی و قوی‌تر و غنی‌تر برخوردار باشند، به همان نسبت از توسعه‌ای جامع‌تر و محیطی سالم‌تر خواهند بود(رحیمی،۱۴۱:۱۳۸۰-۱۴۲). بنابراین فرهنگ مشارکت به معنای مجموعه ای از خصایص فرهنگی و رفتارهای جمعی است که زمینه ساز مشارکت است(محمدی، ۱۳۷۶: ۴۵).

سرمایه اقتصادی؛ از یک سو سرمایه بخشی از ارزش اضافی است که از دیدگاه مارکس توسط کارگران تولید شده اما نصیب سرمایه‌دار می‌شود. از سوی دیگر، سرمایه بیانگر یک سرمایه‌گذاری از سوی سرمایه‌گذاران(در تولید و گردش کالاها) به امید بازدهی و کسب سود در بازار است (توسلی و موسوی،۳:۱۳۸۴-۴). مشارکت راهی برای رهایی افراد از سلطه و استثمار در روابط اقتصادی، افزایش همکاری و همیاری و دسترسی به فرصت‌های برابر به شمار می‌رود(غفاری،۲۶۷:۱۳۸۰) و بازگشت سرمایه را ضمانت می بخشد.

سرمایه مدیریتی: فرایند برنامه ریزی، سازماندهی، رهبری کنترل در یک سازمان به منظور دسترسی به اهداف از پیش تعیین شده را مدیریت می‌گویند (مهدوی و نجفی‌کانی،۲۲:۱۳۸۴).

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

ساختار نهادی- تشکیلاتی و مدیریت سرمایه و منابع دو رکن اساسی دارد، یعنی دولت و مردم. دولت نقش مهمی در تسهیل مشارکت از طریق فراهم کردن زیرساخت‌ها و قوانین و منابع مالی دارد. (بهشتی سرشت و همکاران،۱۳۸۸:۹۰).

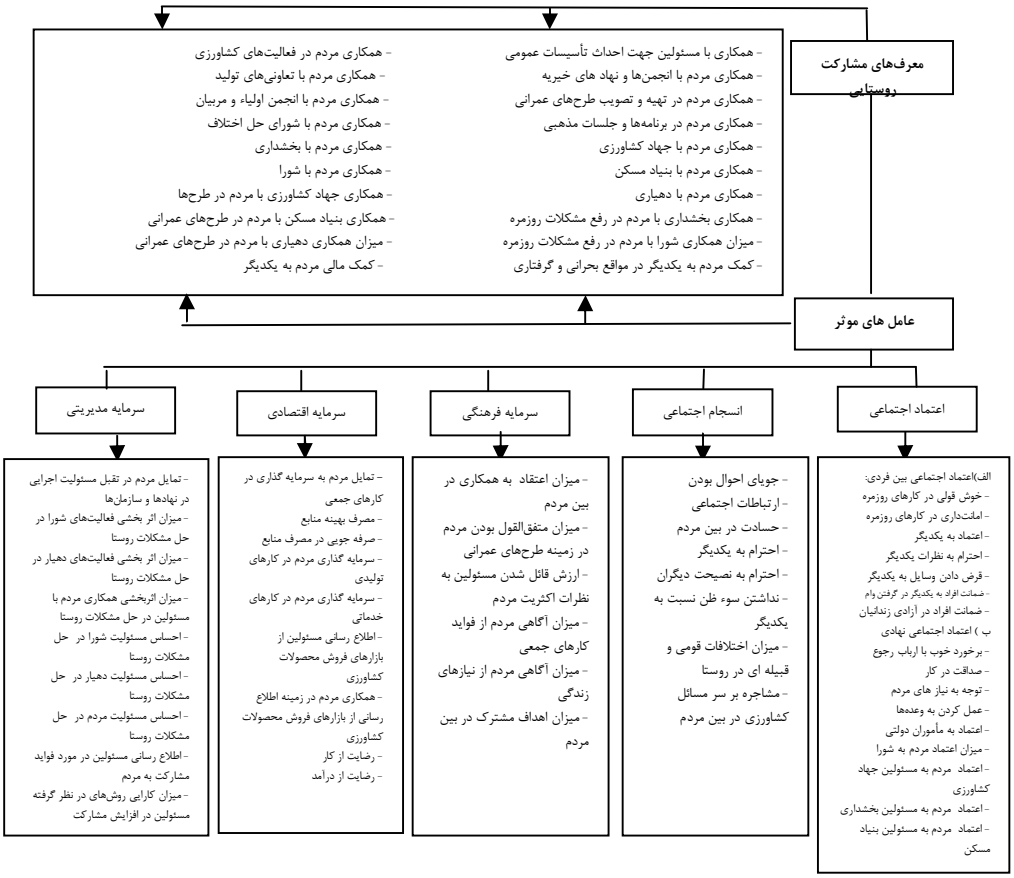

شکل (۲) مشارکت روستایی و عاملیت‌های فضایی- مکانی مؤثر بر آن مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۱

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

الگوی فضایی – مکانی عاملیت‌های موثر بر نهادینه شدن مشارکت در مناطق روستایی در ایران نشان می‌دهد که نوع مشارکت موجود در این نواحی بیشتر به صورت پراکنده و سازمان نیافته است. اگر نهادی هم در سطح روستاها شکل گرفته باشد(مانند؛ شوراهای اسلامی و دهیاری‌ها و تعاونی‌ها) در قالب سیاست‌های دولتی نه در کارکرد واقعی خود بلکه صرفاً برای کاستن از بار مسئولیت و از سر باز کردن خدمات‌دهی به روستاییان و یا ناشی از نگاه شبه مدرنیستی است. بنابراین، الگوی فضایی – مکانی عاملیت های موثر بر نهادینه شدن مشارکت در مناطق روستایی کشور منعکس کننده وضعیت مشارکت پراکنده و غیرهدفمند و فاقد عوامل سازمانی و تشکیلاتی است.

یافته های تحقیق

وضعیت مشارکت سکونتگاه‌های روستایی منطقه مورد مطالعه: وضعیت مشارکت در سطح ۲۰ شاخص و ۲۰ سکونتگاه روستایی منطقه نشان می‌دهد که میانگین مشارکت در آن‌ها ۲/۸۸ می‌باشد. این میزان با توجه به نتایج طیف لیکرت ۶ گزینه‌ای (خیلی زیاد=۵، زیاد=۴، متوسط=۳، کم=۲، خیلی کم=۱، اصلاً=۰)بوده است. سپس بر اساس آزمون t تک نمونه‌ای، عدد ۳ به عنوان میانه نظری پاسخ‌ها با میانگین مشارکت در سطح روستاهای مورد مطالعه، مقایسه گردید. با توجه به نتایج جدول ۲ ملاحظه می‌شود که بین میانگین مشارکت روستایی و میانه نظری تحقیق، اختلاف معناداری وجود دارد($p< ۰/۰۵$). بنابراین سطح مشارکت در روستاهای مورد مطالعه حد پایین‌تر از متوسط ارزیابی می‌شود.

جدول(۱) وضعیت مشارکت روستاهای بخش جعفرآباد شهرستان قم

آبادی	جمعیت ۱۳۹۰	وضعیت مشارکت	آبادی	جمعیت ۱۳۹۰	وضعیت مشارکت
بستان	۳۳۶	۳/۰۱	علی آباد نظرخانی	۱۵۵	۲/۵۵
قزل آباد	۱۱۱	۳/۲۵	علی آباد انقلاب	۱۱۰۸	۲/۹۷
دولت آباد	۳۰۵	۲/۷۲	نورآباد	۱۳۲	۲/۶۹
طغرود	۴۴۵	۲/۸۷	حسین آباد	۱۵۹	۲/۸۲
کلاغ نشین	۶۰	۲/۱۵	شریف آباد	۳۲۹	۳/۱۱
باقرآباد	۱۲۸۲	۳/۰۲	کریم آباد	۹۷	۲/۷۵
پستگان	۷۱۴	۲/۹۳	محمودآباد	۴۴۶	۳/۰۵
عسگرلی	۴۴۱	۲/۷۵	پاچیان	۳۵۱	۳/۰۳
الویرآباد	۴۶۲	۳/۰۵	جعفرآباد	۸۴۵	۳/۱۴
صیدآباد	۱۱۲	۲/۸۵	حیدرآباد	۳۸۳	۲/۸۴

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۱

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

جدول(۲)میانگین مشارکت و نتایج آزمون t برای تحلیل معناداری آن

میانگین مشارکت	استاندارد آزمون= ۳								
	تعداد	میانگین	انحراف معیار	t	df	معناداری (۲دامنه)	تفاوت میانگین	فاصله اطمینان تفاوت۹۵%	
								بالا	پایین
	۲۰	۲/۸۸	۰/۲۴۳	-۲/۲۴	۱۹	۰/۰۳۷	-۰/۱۲۲	-۰/۲۳۶	-۰/۰۰۸

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۱

وضعیت عاملیت های فضایی- مکانی موثر در میزان مشارکت به تفکیک ابعاد: برای بدست آوردن وضعیت عاملیت های فضایی- مکانی موثر در میزان مشارکت به تفکیک ابعاد مورد نظر، از آزمون t تک نمونه ای استفاده شد. همان طور که مطرح گردید، عدد۳ به عنوان میانه نظری وضعیت عاملیت های فضایی- مکانی موثر در میزان مشارکت انتخاب شد. نتایج آزمون حاکی از آن است که میانگین کل ابعاد ۲/۶۶ بوده و در هیچ یک از ابعاد عاملیت های مورد نظر مؤثر در میزان مشارکت، میزان بدست آمده بالاتر از میانه نظری نمی‌باشد.

جدول (۳) نتایج آزمون t برای تحلیل معناداریعاملیت های مکانی –فضایی مؤثر در میزان مشارکت

ابعاد	استاندارد آزمون= ۳								
	تعداد	میانگین	انحراف معیار	t	df	معناداری (۲دامنه)	تفاوت میانگین	فاصله اطمینان تفاوت۹۵%	
								بالا	پایین
سرمایه اجتماعی	۳۵۵	۲/۹۷	۰/۷۱۹	-۰/۵۵۲	۳۵۴	۰/۶۰۰	-۲/۰۰	-۹/۵۱	۵/۵۰
سرمایه فرهنگی	۳۵۵	۲/۹۵	۰/۷۷۱	-۱۰/۱۸	۳۵۴	۰/۲۳۸	-۴/۸۴	-۰/۱۲۹	۳/۲۱
سرمایه اقتصادی	۳۵۵	۲/۲۱	۰/۸۸۳	-۱۶/۸۲	۳۵۴	۰/۰۰۰	-۰/۷۸۸	-۰/۸۸۰	-۰/۶۹۶
سرمایه مدیریتی	۳۵۵	۲/۵۰	۰/۸۲۴	-۱۱/۳۷	۳۵۴	۰/۰۰۰	-۰/۴۹۷	۰/۵۸۳	-۰/۴۱۱

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۱

وضعیت مشارکت و عاملیت های فضایی- مکانی موثر در آن به تفکیک شاخص‌های سازنده آن: برای تعیین وضعیت عملکرد شاخص‌های مشارکت روستایی و عاملیت‌های مؤثر در میزان آن در هر یک از شاخص‌های مورد نظر نیز از آزمون t تک نمونه ای استفاده شد. نتایج آزمون

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

حاکی از آن است که میزان مشارکت در اکثر شاخص‌ها از میانه نظری کمتر بوده است (جدول۴).

جدول(۴) نتایج آزمون t برای تحلیل میزان مشارکت روستایی

شاخص‌ها	t	df	معناداری (۲دامنه)	شاخص‌ها	t	df	معناداری (۲دامنه)
همکاری با مسئولین جهت احداث تأسیسات عمومی	-۰/۵۶۷	۳۵۴	۰/۵۷۱	همکاری مردم با بنیاد مسکن	۸/۸۲	۳۵۴	۰/۰۰۰
همکاری مردم در فعالیت‌های کشاورزی	۷/۶۴	۳۵۴	۰/۰۰۰	همکاری مردم با شورا	۱/۷۵	۳۵۴	۰/۰۸۱
همکاری مردم با انجمن‌ها و نهاد های خیریه	۱/۹۲	۳۵۴	۰/۰۵۵	همکاری مردم با دهیاری	-۵/۴۹	۳۵۴	۰/۰۰۰
همکاری مردم با تعاونی‌های تولید	-۷/۹۱	۳۵۴	۰/۰۰۰	همکاری جهاد کشاورزی با مردم در طرح‌ها	۱/۳۶	۳۵۴	۰/۱۷۳
همکاری مردم در تهیه و تصویب طرح‌های عمرانی	-۰/۶۶۰	۳۵۴	۰/۵۰۹	همکاری بخشداری با مردم در رفع مشکلات روزمره	-۱۸/۳۶	۳۵۴	۰/۰۰۰
همکاری مردم با انجمن اولیاء و مربیان	۶/۵۸	۳۵۴	۰/۰۰۰	همکاری بنیاد مسکن با مردم در طرح‌های عمرانی	-۳/۷۴	۳۵۴	۰/۰۰۰
همکاری مردم در برنامه‌ها و جلسات مذهبی	۱۸/۱۷	۳۵۴	۰/۰۰۰	میزان همکاری شورا با مردم در رفع مشکلات روزمره	-۱۳/۷۶	۳۵۴	۰/۰۰۰
همکاری مردم با شورای حل اختلاف	-۰/۷۱۵	۳۵۴	۰/۴۷۵	میزان همکاری دهیاری با مردم در طرح‌های عمرانی	-۱۷/۲۳	۳۵۴	۰/۰۰۰
همکاری مردم با جهاد کشاورزی	۱۲/۶۱	۳۵۴	۰/۰۰۰	کمک مردم به یکدیگر در مواقع بحرانی و گرفتاری	۲/۳۰	۳۵۴	۰/۰۲۲
همکاری مردم با بخشداری	۱/۱۰	۳۵۴	۰/۲۷۱	کمک مالی مردم به یکدیگر	-۶/۱۲	۳۵۴	۰/۰۰۰

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۱

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که میزان مشارکت رسمی مردم در نهادها و یا در ارتباط با سازمان‌های دولتی (مانند همکاری با مسئولین جهت احداث تأسیسات عمومی، همکاری مردم با انجمن‌ها و نهاد های خیریه، همکاری مردم در تهیه و تصویب طرح‌های عمرانی، همکاری مردم با شورای حل اختلاف، همکاری مردم با بخشداری، همکاری مردم با شورا و همکاری جهاد کشاورزی با مردم در طرح‌ها) با میانه نظری مورد نظر ۳ معنادار نیستند. به عبارتی اندازۀآن‌ها از میانگین نظری ۳ در طیف لیکرت پایین‌تر می‌باشد. برعکس میزان مشارکت غیر رسمی با میانه نظری ۳ در مقیاس لیکرت در سطح مطلوبی قرار دارند. در نتیجه، الگوی

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

مشارکت حاکم بر مناطق روستای بخش جعفرآباد شهرستان قم به صورت غیرسازمانی و پراکنده می باشد و هدفمندی خاصی در آن دیده نمی شود.

جدول(۵) میانگین امتیازهای عاملیت های فضایی- مکانی موثر در میزان مشارکت روستایی

شاخص‌ها	میانگین	رتبه	شاخص‌ها	میانگین	رتبه
ارتباطات اجتماعی	۳/۹۲	۱	حسادت در بین مردم	۲/۸۵	۲۵
میزان اختلافات قومی و قبیله ای	۳/۸۸	۲	نداشتن سوء ظن نسبت به یکدیگر	۲/۸۵	۲۶
جویای احوال بودن	۳/۸۰	۳	آگاهی مردم از فواید کارهای جمعی	۲/۸۲	۲۷
احترام به یکدیگر	۳/۷۹	۴	متفق‌القول بودن مردم در زمینه طرح‌های عمرانی	۲/۸۲	۲۸
مشاجره بر سر مسائل کشاورزی	۳/۵۵	۵	تمایل مردم در تقبل مسئولیت اجرایی در نهادها و سازمان‌ها	۲/۷۴	۲۹
احترام به نصیحت دیگران	۳/۴۸	۶	تمایل مردم به سرمایه گذاری در کارهای جمعی	۲/۵۶	۳۰
احترام به نظرات یکدیگر در بین مردم	۳/۴۶	۷	میزان رضایت از کار	۲/۴۸	۳۱
امانت‌داری در کارهای روزمره	۳/۴۵	۸	میزان سرمایه گذاری مردم در کارهای خدماتی	۲/۳۷	۳۲
قرض دادن وسایل به یکدیگر	۳/۳۷	۹	صداقت مسئولین روستا در کارهای خود	۲/۲۸	۳۳
اعتماد به یکدیگر	۳/۲۹	۱۰	اعتماد مردم به شورا	۲/۲۶	۳۴
صرفه جویی در استفاده از منابع موجود در روستا	۳/۲۳	۱۱	اعتماد مردم به مسئولین بخشداری در حل مشکلات روستا	۲/۱۴	۳۵
اعتماد مردم به مسئولین جهاد کشاورزی	۳/۲۲	۱۲	تأثیرفعالیت‌های شورا در حل مشکلات روستا	۲/۰۸	۳۶
برخورد خوب مسئولین روستا با ارباب رجوع	۳/۱۷	۱۳	ارزش قائل شدن مسئولین به نظر اکثریت مردم	۲/۰۷	۳۷
ضمانت افراد به یکدیگر در گرفتن وام	۳/۱۵	۱۴	میزان رضایت از درآمد	۲/۰۵	۳۸
استفاده درست از منابع موجود در روستا	۳/۱۵	۱۵	احساس مسئولیت شورا در قبال امورات روستا	۲/۰۳	۳۹
خوش قولی در کارهای روزمره	۳/۱۴	۱۶	اطلاع رسانی مسئولین در مورد فواید مشارکت به مردم	۲/۰۰	۴۰
اعتقاد به همکاری در بین مردم	۳/۰۹	۱۷	کارایی روش‌های در نظر گرفته مسئولین در افزایش مشارکت	۱/۹۷	۴۱
اعتماد مسئولین روستا به مأموران دولتی	۳/۰۷	۱۸	همکاری مردم در زمینه اطلاع رسانی از بازارهای فروش محصولات کشاورزی	۱/۹۴	۴۲
احساس مسئولیت در قبال امورات روستا	۳/۰۵	۱۹	توجه مسئولین روستا به نیاز های مردم	۱/۸۵	۴۳
سرمایه گذاری مردم در کارهای تولیدی	۳/۰۳	۲۰	عمل کردن مسئولین روستا به وعده های خود	۱/۸۵	۴۴
آگاهی مردم از نیازهای در زندگی	۳/۰۳	۲۱	اطلاع رسانی مسئولین از بازارهای فروش محصولات کشاورزی	۱/۷۱	۴۵
اعتماد مردم به مسئولین بنیاد مسکن	۳/۰۲	۲۲	ضمانت افراد در آزادی زندانیان	۱/۶۶	۴۶
اهداف مشترک در کارهای روزمره	۲/۸۸	۲۳	تأثیرفعالیت‌های دهیار در حل مشکلات روستا	۱/۵۹	۴۷
تأثیر همکاری مردم با مسئولین در حل مشکلات	۲/۸۶	۲۴	احساس مسئولیت دهیار در قبال امورات	۱/۵۸	۴۸

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۱

بر اساس یافته‌های جدول (۵) سرمایه اجتماعی پیوندی (مانند ارتباطات اجتماعی در بین مردم، میزان اختلافات قومی و قبیله ای در روستا، جویای احوال بودن در بین مردم، احترام به یکدیگر در بین مردم، مشاجره بر سر مسائل کشاورزی در بین مردم، احترام به نصیحت دیگران، اعتماد به یکدیگر در بین مردم و...) از نظر اندازه نسبت به میانه مورد نظر در رتبه بالاتری قرار دارند که می‌توانند در مقام متغیرهای تبیین کننده سنجش میزان مشارکت رسمی افراد که در کلیت امر در سطح پایینی قرار دارد، در منطقه مورد مطالعه محسوب شوند. بنابراین، هر چه میزان سرمایه اجتماعی پیوندی(روابط محلی) بالاتر رود میزان مشارکت غیررسمی افزایش می‌یابد و بالعکس. به عبارت دیگر هرچه سرمایه اجتماعی پیوندی در سطح محل افزایش یابد

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

میزان مشارکت رسمی مردم در امورات مختلف کاهش یافته است. سرمایه اجتماعی اتصالی (مانند صداقت مسئولین روستا در کارهای خود، میزان اعتماد مردم به شورا، میزان اعتماد مردم به مسئولین بخشداری در حل مشکلات روستا، به چه میزان فعالیت‌های شورا در حل مشکلات روستا تأثیر داشته، ارزش قائل شدن مسئولین به نظر اکثریت مردم،به چه میزان شورا در قبال امورات روستا احساس مسئولیت می‌کند و...) از نظر اندازه در سطح پایین‌تری قرار دارند که ادعای فوق را به اثبات می‌رساند. در نتیجه، الگوی فضایی – مکانی عناصر اجتماعی تاثیرگذار مسلط بر مشارکت در سطح منطقه، بیشتر در قالب روابط سنتی و عرفی جهت‌گیری شده است و همانگونه که مشاهده شد گویه‌های تاثیرگذار اجتماعی آن هم از نوع پیوندی که بیانگر روابط محلی درون روستایی است.

میانه نظری مورد نظر در سرمایهٔ اقتصادی (۲/۷۳) در سطح روستاها نسبت به گویه های سرمایه اجتماعی پیوندی از سطح پایین‌تری برخوردار بوده‌است. بطورکلی، ظرفیت های اقتصادی و عزم عمومی جهت بهره برداری از منابع در مناطق روستایی وجود دارد، اما به علت عدم تخصیص الزامات مالی و اعتباری و فقدان امکانات حقوقی، قانونی و آموزشی قدرت تبدیل منابع اقتصادی به سرمایه اقتصادی در سکونتگاه های روستایی ایجاد نشده است. درواقع، نبود مکانیسم هایی همچون موسسات مالی محلی و نهادهای مردمی به همراه فقدان حمایت های دولتی تحت تاثیر ساختار متمرکز برنامه ریزی الگوی فضایی- مکانی اقتصادی ای هم اکنون در مناطق روستایی مستولی است که قادر به بهره برداری از قابلیت های موجود نیست و نمی تواند زمینه ساز نهادینه شدن مشارکت اقتصادی باشد.

میزان سرمایه فرهنگی جهت نهادینه شدن مشارکت روستایی در برخی موارد نظیر اعتقاد به همکاری در بین مردم، آگاهی مردم از نیازهای در زندگی از میانه نظری تحقیق بالاتر است و منطبق بر دیدگاه پژوهش یعنی وجود پتانسیل درونی در مناطق روستایی برای مشارکت می‌باشد. اما در مواردی مانند میزان آگاهی مردم از فواید کارهای جمعی، میزان هم‌گرایی مردم در زمینه طرح‌های عمرانی، ارزش قائل شدن مسئولین به نظر اکثریت مردم و... در سطح مطلوبی قرار ندارد. بنابراین، مشخص می‌شود که هنوز سازوکاری جهت تجمیع توانایی های مردمی و ایجاد آگاهی، اعتقاد، اهداف و ارزش های مشترک در مناطق روستایی وجود ندارد و الگوی فضایی- مکانی این بعد القاء کننده خلاء مکانیسم های لازم برای ایجاد رویکردهای جمعی در روستاها می باشد.

در بعد سرمایه مدیریتی، منابع مدیریتی فعال و تفویض اختیاری در سطح روستاها وجود ندارد که در طول زمان تبدیل به سرمایه شود و تعامل منطقی را بین سازوکارهای دولتی و مردم

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

برقرار سازد. در این بین، شاخص هایی نظیر احساس مسئولیت مردم در قبال حل مشکلات روستا و میزان اثربخشی همکاری مردم با مسئولین در حل مشکلات روستا که ناشی از توان نهفته در ظرفیت های درونی سکونتگاه روستایی است از وضعیت بهتری نسبت به سایر گویه های موجود در این بعد همچون احساس مسئولیت دهیار در حل مشکلات روستا، میزان اثر بخشی فعالیت‌های دهیار در حل مشکلات روستا، میزان کارایی روش‌های در نظر گرفته مسئولین در افزایش مشارکت، اطلاع رسانی مسئولین در مورد فواید مشارکت به مردم، میزان اثر بخشی فعالیت‌های شورا در حل مشکلات روستا و...برخودار است. این وضعیت بیانگر عدم رسوخ رویکردهای مدیریتی به مناطق روستایی می باشد و الگوی فضایی – مکانی این عاملیت را در قالب خلاء ای بزرگ عرضه می دارد.

نقشه زیر توزیع جغرافیایی عاملیت‌های مکانی – فضایی مؤثر در مشارکت نواحی روستایی بخش جعفرآباد شهرستان قم را نشان می‌دهد.

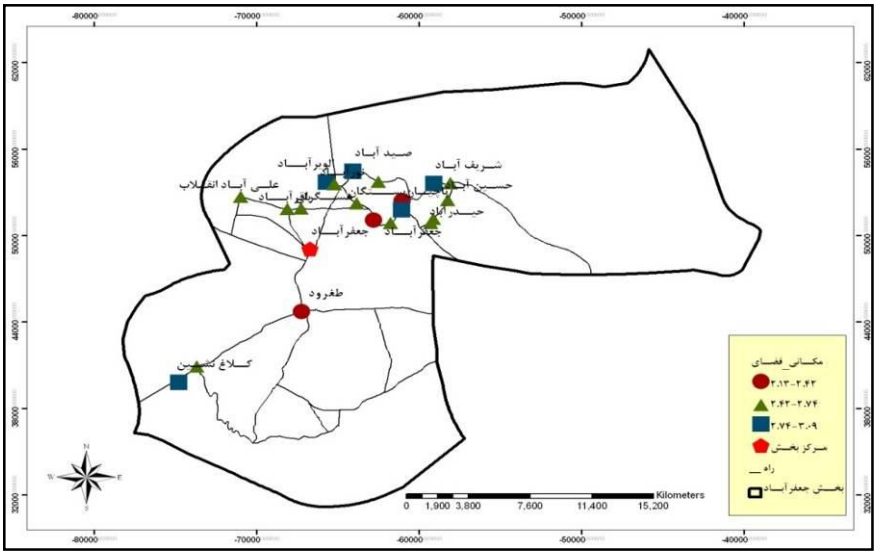

شکل (۳) توزیع جغرافیایی عاملیت‌های مکانی – فضایی مؤثر در مشارکت نواحی روستایی مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۱

تحلیل همبستگی ابعاد عاملیت ها و میزان مشارکت روستایی: برای بررسی همبستگی ابعاد عاملیت های فضایی- مکانی و میزان مشارکت روستایی از آزمون همبستگی رتبه ای اسپیرمن استفاده شد. همبستگی میان ابعاد و سطح مشارکت نشان می‌دهد بین عاملیت های فضایی-

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

مکانی و میزان مشارکت در سکونتگاه های روستایی رابطه معنادار وجود دارد. نتیجه بدست آمده کلیتی است برای اثبات فرضیه تحقیق و مصداقی در راستای نشان این منطق است که در حالت کلی بین عوامل مکانی- فضایی (اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و مدیریتی) و مشارکت مردم در فرایند توسعه روستایی به طور طبیعی رابطه معنادار برقرار می شود و مشارکت تحت تاثیر این عاملیت ها در فضا فرصت ظهور می یابد.

جدول (۶) سطح معناداری همبستگی ابعاد عاملیت هاو میزان مشارکت روستایی

عاملیت های فضایی- مکانی موثر در میزان مشارکت روستایی	ضریب همبستگی	معناداری (۲دامنه)	نوع ارتباط
سرمایه اجتماعی	۰/۵۲۱	۰/۰۰۰	مثبت
سرمایه فرهنگی	۰/۴۵۷	۰/۰۰۰	مثبت
سرمایه اقتصادی	۰/۴۷۷	۰/۰۰۰	مثبت
سرمایه مدیریتی	۰/۳۵۶	۰/۰۰۰	مثبت

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۱

مقایسه میزان اهمیت عاملیت های فضایی- مکانی موثر در میزان مشارکت روستایی: جهت سنجش میزان تأثیر ابعاد مختلف عاملیت های فضایی- مکانی موثر در میزان مشارکت از رگرسیون گام به گام استفاده شده است. با توجه به ویژگی رگرسیون گام به گام در حذف شاخص و ابعادی که در معادله اهمیتی کمتری دارند، در این آزمون ابعاد سرمایه اجتماعی و سرمایه اقتصادی از ارجحیت بیشتری نسبت به سایر ابعاد در میزان مشارکت روستایی برخوردار بودند و در مدل باقی ماندند. نتایج حاصل نشان می‌دهد بعد سرمایه اجتماعی با ضریب تعیین (R^2) ۰/۷۴۳، بیشترین تأثیر را بر میزان مشارکت داشته است، به طوری که۷۴/۳درصد از تغییرات مشارکت را تبیین می‌کند و بعد سرمایه اقتصادی با ۲۵/۷ درصد واریانس میزان مشارکت را تبیین می‌کند.

جدول(۷) معیارهای وارد شده و سهم هر بعد در مدل رگرسیون گام به گام

مراحل	ابعاد وارد شده به مدل در هر مرحله	ضرایب تعیین(R2)	سهم هر بعد در تبیین بعد وابسته (درصد)
گام اول	سرمایه اجتماعی	۰/۷۴۳	۷۴/۳
گام دوم	سرمایه اقتصادی	۰/۷۱۷	۲۵/۷

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۱

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

جدول(۸) ضرایب رگرسیون برای بررسی تأثیر ابعاد بر سطح مشارکت و تعیین اهمیت نسبی آن‌ها

ابعاد وارد شده به مدل	ضرایب رگرسیونی(B)	ضرایب رگرسیونی استاندارد(β)	مقدارt	سطح معنی داری
ضریب ثابت	۱/۴۱			
سرمایه اجتماعی	۰/۳۳۹	۰/۳۶۴	۶/۹۴	۰/۰۰۰
سرمایه اقتصادی	۰/۲۲۰	۰/۲۸۷	۵/۲۹	۰/۰۰۰

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۱

شکل ۴ اهمیت نسبی معیارهای فضایی- مکانی تأثیر گذار بر میزان مشارکت سکونتگاه‌های روستایی را نشان می‌دهد. مقدار بتای بدست آمده برای بعد سرمایه اجتماعی نشان می‌دهد که تغییر یک واحد این معیار به اندازه۰/۳۶۴ بر انحراف معیار میزان مشارکت سکونتگاه‌های روستایی تأثیر می‌گذارد. همچنین بعد اقتصادی با (β=۰/۲۸۷) بیشترین اثر خالص را در میزان مشارکت دارند.

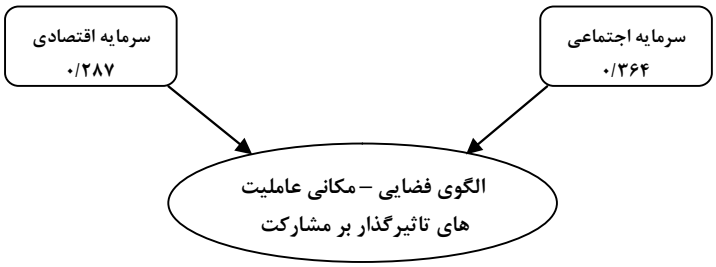

شکل (۴) اهمیت نسبی ابعادفضایی- مکانی تأثیرگذار بر میزان مشارکت بر اساس مقادیر استاندارد شده بتا
مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۱

بطورکلی، مشارکت کنشی ارتباطی است که در کشور ما به صورت غیر رسمی و در قالب روابط اجتماعی سنتی و عرفی شکل گرفته است. لذا، ایجاد سرمایه اجتماعی بر محور اعتماد محلی و در چهارچوب هنجارها و آداب و رسوم سنتی می باشد و در شکل سازمانی خود در راستای اصول قانونی شکل نگرفته است. بنابراین طبیعتا بعد سرمایه اجتماعی باید در سطح مشارکت مناطق روستایی(منظور مشارکت پراکنده) از بیشترین میزان تاثیرگذاری برخوردار باشد. در ارتباط با بعد سرمایه اقتصادی باید یادآور شویم که هر فرد به طور ذاتی دارای عقلانیت اقتصادی است و جهت کاستن از نا ایمنی ذاتی خود به دنبال تامین منفعت و سود است. به همین خاطر آغاز کنش ارتباطی افراد در مرحله در راستای تامین نیازهای اقتصادی

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

است و تعامل و همکاری های ایجاد شده در جهت برآورده سازی خواسته های اقتصادی است. از آنجایی که مشارکت نهادی و سازمان یافته در زمینه بهره برداری های اقتصادی در روستاهای کشور وجود ندارد ولی ظرفیت همکاری های صورت گرفته با ماهیت پراکنده و توده‌ای در زمینه برطرف سازی نیازهای اقتصادی است و عزم تبدیل پتانسیل های اقتصادی به سرمایه در بین مردم وجود دارد. با این کلیت فرضیه دوم تحقیق با پیش زمینه الگوی ارتباط عوامل مکانی– فضایی در مناطق روستایی با میزان مشارکت مردم تحت تاثیر پتانسل های درونی جامعه روستایی و فارغ از دخالت عناصر مدیریتی و تاحدودی اقتصادی قابل اثبات می باشد.

نتیجه گیری

مشارکت برآیند وجود عاملیت های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و مدیریتی است و درسایه این عناصر فرصت ظهور در جوامع روستایی را می یابد و قابلیت نهادینه شدن را پیدا می کند. بطورکلی، شکل گیری عاملیت های سرمایه‌ای ایجادکننده مشارکت در درون فضاهای روستایی مستلزم استقرار نهادهای مدنی و سازمان‌های مردمی است که زمینه های لازم را جهت بهره برداری از قابلیت های درون سکونتگاه‌ها آن هم به صورت سازمان یافته و تشکیلاتی با توانایی تبدیل منابع موجود به سرمایه در بخش های مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و مدیریتی فراهم سازد. متاسفانه چنین مکانیسم های در جامعه روستایی کشور ما به وجود نیامده است و اگر هم اقداماتی در این زمینه انجام شده نه به صورت کارکرد واقعی بلکه ساختار کاذبی داشته و مشارکت هدفمند مردم را به همراه نداشته است. در این ارتباط، مشارکت موجود در مناطق روستایی ایران درحال حاضر خارج از روال سازمانی و تشکیلاتی است و نهادهای ایجاد شده کارکرد مشارکتی نداشته و بیشتر به صورت متمرکز و به عنوان سازمانی با هویت دولتی از طرف مردم شناخته می شوند. در مجموع، الگوی عاملیت های فضایی – مکانی تاثیرگذار بر مشارکت روستایی انعکاسی از فقدان و خلاء منابع سرمایه ای اعم از اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و مدیریتی در مناطق روستایی است و اگر هم زمینه هایی در این موارد دیده می شود نه به معنای واقعی و برخاسته از همکاری های سازمان یافته و رسمی بلکه به صورت پراکنده و غیر هدفمند می باشد. بررسی‌های انجام یافته در منطقه نشان می‌دهد که سطح مشارکت در سکونتگاه های مورد مطالعه از حد مورد نظر با میانگین ۲/۸۸ پایین‌تر بوده. این در حالی است که میانگین به دست آمده از عاملیت های فضایی – مکانی تاثیرگذار بر مشارکت روستایی نیز از وضعیت مناسبی برخوردار نبوده و جز در موارد غیر رسمی که به آن اشاره شد، اندازه آن‌ها از

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

میانه نظری مورد انتظار پایین‌تر بود. در این بین، سرمایه اجتماعی و سرمایه اقتصادی از نظر تأثیر گذاری بر میزان مشارکت مردم در رتبه‌های اول و دوم قرار گرفته و ضریب تأثیرگذاری آن‌ها با استفاده از ضریب تأثیر استاندارد شده به ترتیب ۰/۳۶۴ و ۰/۲۸۷می‌باشد، اما ضریب تعیین برای این دومتغیر نشانگر اثرگذاری بر متغیر وابسته میزان مشارکت روستاییان به مقدار ۷۰ تا ۷۵ درصد می‌باشد. برتری تأثیر سرمایه اجتماعی نیز جای بحث دارد، به طوری که اگر مشارکت را به دو بخش رسمی و غیر رسمی تقسیم کنیم، متوجه خواهیم شد که میزان تأثیر گذاری سرمایه اجتماعی بر مشارکت مبتنی بر گویه های تدوین شده عمدتاً سرمایه اجتماعی پیوندی است تا سرمایه اجتماعی ارتباطی که عمدتاً مشارکت رسمی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در حالت کلی، مشارکت روستایی در کشور مقوله ای است رها شده و ماهیت دولت به گونه ای است که اقدامات لازم را جهت استقرار عناصر کارکردی زمینه ساز انجام نمی دهد بنابراین، هرآنچه در جوامع روستایی از همکاری و تعاملات مردمی صورت می گیرد به صورت پراکنده و خارج از رهنمودهای مدیریتی دولت است و القاء کننده پتانسیل درونی سکونتگاه های روستایی جهت شکل گیری این مقوله مهم است.

منابع و ماخذ

۱.ازکیا، مصطفی و حسین ایمانی جاجرمی(۱۳۸۴) **بررسی جامعه شناختی عوامل کارایی شوراهای اسلامی شهری**، نامه علوم اجتماعی،شماره۲۶، صص ۶۴-۳۳.

۲. امیراحمدی، هوشنگ (۱۳۸۷) **به سوی نظریه سرمایه مجتمع زیستی**، دو فصلنامه هویت شهر، شماره ۳، صص ۳۸-۲۵.

۳. بهشتی سرشت، مریم، داوود ثمری و سید مهدی میردامادی (۱۳۸۸) **بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت جوامع محلی در مدیریت منابع طبیعی**، فصلنامه جنگل و مرتع، شماره ۸۴، صص ۹۵-۹۰.

۴. پوراحمد، احمد(۱۳۸۵) **قلمرو و فلسفه جغرافیا**، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.

۵. پیران، پرویز، موسوی، میرطاهر و شبانی، ملیحه(۱۳۸۵) **کارپایه مفهومی و مفهوم‌سازی سرمایه اجتماعی (با تأکید بر شرایط ایران)**، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال ۶، شماره ۲۳، صص ۴۴-۹.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

۶. توسلی، غلامعباس و موسوی، مرضیه(۱۳۸۴) **مفهوم سرمایه در نظریات کلاسیک و جدید با تاکید بر نظریه های سرمایه اجتماعی**، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۶، صص ۳۲-۱.

۷. جعفرزاده‌پور، فروزنده(۱۳۸۸) **کندوکاو در مسائل جوانان و مناسبات نسلی**، نشر جهاد دانشگاهی، تهران.

۸. حبیبی، سید محسن (۱۳۷۹) **جامعه مدنی و حیات شهری**، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۷، صص ۳۳-۲۱.

۹. رحیمی، حسین(۱۳۸۰)، **نقش فرهنگ در توسعه پایدار**، مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۱۶۷-۱۶۸، صص ۱۴۵-۱۳۸.

۱۰.شبلینگ، ژاک(۱۳۸۵) **جغرافیا چیست؟** ترجمه سیروس سهامی، انتشارات محقق، تهران.

۱۱.شریفیان ثانی، مریم (۱۳۸۰) **سرمایه اجتماعی: مفاهیم اصلی و چارچوب نظری**، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال اول، شماره ۲، صص ۱۸-۵.

۱۲. شکویی، حسین و علی موحد(۱۳۸۱) **شناخت الگوی فضای توریستی شهر اصفهان با استفاده از سیستمGIS**، فصلنامه مدرس علوم انسانی، شماره ۲۷، صص ۷۱-۹۴.

۱۳.شکویی، حسین(۱۳۷۸)**فلسفه جغرافیا و مکتب های جغرافیایی**، انتشارات گیتاشناسی، تهران.

۱۴.عطار، سعید (۱۳۸۷) **پیربوردیو: از فضای اجتماعی تا سرمایه اجتماعی**، ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی ، شماره ۲۵۲،شماره ۱۱-۱۲، صص ۱۶۵-۱۵۸.

۱۵.عنابستانی. علی‌اکبر و احمدزاده. سحر، (۱۳۹۱) **بررسی ارتباط بین ویژگی‌های مکانی-فضایی و عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در سطح جامعه‌ی روستایی مطالعه موردی: دهستان درزآب – شهرستان مشهد**، مجله جغرافیا و مطالعات محیطی، سال ۱، شماره ۲، صص ۱۱۴-۹۷.

۱۶.عنابستانی. علی‌اکبر، شایان. حمید، خسروبیگی. رضا و تقی‌لو. علی‌اکبر(۱۳۹۰) **نقش ویژگی‌های مکانی-فضایی مشارکت در توانمندسازی اقتصاد روستایی مورد: دهستان ایجرود بالا-شهرستان ایجرود**، مجله برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال ۱، شماره ۴، صص ۱۳-۱.

۱۷.غفاری، غلامرضا (۱۳۸۰)، **دولت و مشارکت اجتماعی روستائیان در کشورهای در حال توسعه؛ با تاکید بر ایران**، مجله اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال نهم، شماره ۳۵، صص ۲۸۴-۲۵۷.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

۱۸.فیروز نیا، قدیر و محمد حسن ضیاء توانا (۱۳۸۹) **تاثیر ابعاد فضایی، مکانی بر استمرار کارکرد اقتصادی روستاهای در معرض تخلیه جمعیت شهرستان قزوین**، روستا و توسعه، سال ۱۳، شماره۱، صص ۱-۲۰.

۱۹.قاسمی، محمدعلی (۱۳۸۴) **بررسی عوامل اجتماعی- اقتصادی موثر بر میزان مشارکت روستاییان در طرح های عمرانی: مطالعه موردی بخش مرکزی شهرستان کاشان**، فصلنامه روستا و توسعه، سال۸، شمارهٔ ۴، صص ۱۱۲-۷۹.

۲۰.قانعی راد، محمد امین و فریده حسینی (۱۳۸۴) **ارزش ها شبکه روابط و مشارکت در سازمان های غیر دولتی جوانان تهران**، مجله جامعه شناسی ایران، شماره ۳، صص ۹۷-۱۲۳.

۲۱.گل شیری اصفهانی، زهرا، حسین خادمی و رضا صدیق و مهدی تازه (۱۳۸۸) **تأثیر انسجام اجتماعی بر میزان مشارکت روستائیان**، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۲، شماره یک(۴۵)، صص ۱۶۷-۱۴۷.

۲۲.محمدی، مجید (۱۳۷۶) **جامعه مدنی به عنوان یک روش**، تهران: نشر قطره.

۲۳. محمدی سلیمانی. مهرداد (۱۳۸۰) **عوامل جغرافیایی موثر بر میزان مشارکت جوانان و نوجوانان روستایی در برنامه ریزی توسعه: نمونه موردی شهرستان کرمان**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

۲۴.مرکز آمار ایران (۱۳۸۵) **شناسنامه آبادی شهرستان قم در سال‌های ۱۳۶۵، ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵**، تهران: مرکز آمار ایران.

۲۵. منافزاده، هادی (۱۳۸۸) **نگرشی راهبردی به طراحی و خلق فرم در معماری**، ماهنامه مهندسی زیر ساخت‌ها، شماره ۱۱، صص ۳۶-۳۳.

۲۶.مهدوی، مسعود و علی اکبر نجفی کانی (۱۳۸۴) **دهیاری‌ها، تجربه ای دیگر در مدیریت روستاهای ایران نمونه موردی: دهیاری‌های استان آذربایجان غربی**، مجله پژوهش‌های جغرافیایی، شماره۵۳، صص ۴۰-۲۱.

Akabayashi, A. (2003*) **Report of the project strategies for social consensus building on the policies concerning advanced medical technologies***. Journal of Health Care Analysis, Vol. 14, No. 4.

Borrini G. (1999*) **Collaborative management of protected areas".*** Journal of Environmental Planning and Management, Vol. 47, No. 3.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

Cloke. P and Johnston. R., (2005) ***Space of geographical thought Deconstructing Human Geography's Binaries***, SAGE Publications Ltd London EC1Y1SP.

Montgomery, J. (2000) ***Social capital as policy resource*****,** policy science's, 33, PP. 227-243.

Reddy, R. P. (1973***) who participates in voluntary action*****?*** Journal of Extension, Vol. 3, No. 5.

Woodhouse, A., (2006***) Social capital and economic development in regional Australia: A case study***, Journal of Rural Studies, 22, PP. 83–94.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]